

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

عبداللطیف صدیقی لندری

کانادا - شانزدهم جولای 2011

از اشعار دوران دربدری در پاکستان

(دوبیتی ها و رباعیات)

(قسمت چاردهم)

با اطمینانی که از نوشته پرلطف مؤرخ 22 اپریل 2011 (صفحه 23 اپریل 2011) نویسنده و شاعر توانا و مبارز انجنیر صاحب معرفی حاصل گردید، اینک بسته اشعار دوران دربدری و بی سرنوشتی اقامت پاکستان خود را تقدیم نمودم، تا بعد از تصحیح و پیرایش لازم، به تدریج افتخار نشر را در پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" پیدا کند. بدینوسیله از جناب شان و تمامی متصدیان معزز پورتال عزیز و باوقار ما صمیمانه سپاسگزارم.

یار ما عشق جـــــاودانه ماست
سینه چنگ است و هم چغانه ماست
شعله ها سر کشد به جانب دل
اندرونش مُدام خـــــانه ماست

با عشق تو دعوای جوانی دارم
از لعل لب ت قندفشانی دارم
رسوا نشوم ز باده و می هرگز
صد رمز درونی و نهانی دارم

از باده ناب جان به جان آمده است
از روی تو رونق بروان آمده است
از بس که تمنای وصال بودست
بی لعل لببت جان به فغان آمده است

این دل دگر ز درد و غم او زبون شده
نالهِ ببین و نوحه که از حد فزون شده
یک دم بیا نگار و دو چشمان تر نگر
کز دیده رودخانه جیحون برون شده

چه نالم از سن و سالی که دارم
چه سود از شرح احوالی که دارم
درون سینه ام باری نفس نیست
منال از حال و از قالی که دارم

باز آ که های و هوی تو در سر بود مرا
کمی بیم از رقیبک ابتر بود مرا
منشین پیش غیر و میاور ازو سخن
دوری ز غیرِ سفله چه بهتر بود مرا
